

برو آنجا که عرب نی انداخت

عبارت مثلی بالا را هنگام عصبانیت بکار می برند. گاهی اتفاق می افتد که خادمی مخدومش را تهدید میکند که به جای دیگر خواهد رفت؛ یا فرزندی به علامت قهر از خانه خارج می شود که دیگر مراجعت نکند؛ و یا بانویی به منظور اخافه و ارعاب شوهرش او را به جدایی و بازگشت به خانه پدر و مادر تهدید می کند. در هر یک از این احوال اگر مخاطب را از تحکیمات و تهدیدات متکلم خوش نیاید با تندی و خشونت جواب میدهد: «برو آنجا که عرب نی انداخت» که با عبارت مثلی برو گمشو و برو هرگز برنگردی و جز اینها مرادف است.

اکنون ببینیم این عرب کیست و نی انداختن عرب چگونه بوده است که به صورت ضرب المثل در آمده است. کسانی که به وضع جغرافیایی شبه جزیره عربستان آشنایی دارند بهتر می دانند که در این شبه جزیره در قرون گذشته ساعت و حساب نجومی دقیقی وجود نداشته است. وسعت و همواری بیابان، عدم وجود قله و اتلال رفیع و بلند مانع از آن بود که ساعت و زمان دقیق روز و شب را معلوم کنند. مردم با هم معاملاتی داشته اند که سر رسید آن فی المثل غروب فلان روز بوده است. عبادات و ستهایی وجود داشته که به ساعت و دقیقه معینی از روز ختم می شده است، یا اعمال و مناسک حج که هر یک در مقام خود شامل ساعت و زمان دقیق و مشخصی بوده که تشخیص زمان صحیح در آن بیابان صاف و هموار به هیچ وجه امکان نداشته است؛ زیرا بعضی قایل بوده اند که غروب نشده و زمان جزء شب نیست، و برخی میگفتند که روز به پایان رسیده و این ساعت و زمان جزء شب محسوب است. چون بیابان صاف و وسیع بود و کوهی که آخرین شعاع خورشید را در قله آن ببینند در آن حوالی مطلقاً وجود نداشت، لذا به قول دکتر احسانی طباطبایی: «اشخاص مخصوصی بودند که کارشان نیزه پرانی بود و برای آنکه معلوم شود در سمت الرأس هنوز آفتاب موجود است و در سایه افق به کلی غروب ننموده، نیزه را تا آنجا که می توانستند به هوا پرتاب میکردند و اگر نیزه به نور آفتاب برخورد میکرد آن ساعت را روز، وگرنه شب به حساب می آوردند.»

این بود آنجایی که عرب نی می انداخت. از آنجایی که نیزه پرانی و نی اندازی در صحاری و بیابانهای دو از آبادی انجام میگرفت، لذا مثل و عبارت برو آنجا که عرب نی انداخت، کنایه از منطقه و جایی است که فاقد آب و آبادی باشد. پس مراد از عبارت مزبور این است که: به جایی برو که بر نگردی.